

سؤال انتم جوابه شانه و برده تا بگویم حضرت مصطفی علیه الصلوة والسلام خواجه بود
و تصوفین سؤال اینهم بود بلوک ترک الدعا وی و کما للعالم یقینی تصوف
دعا وی ترک ادب معنای نهان ابدی بعد تو حیدرین سوال اینهم دردی
ماحقه فکوک و احاطه و احمک و احمک سحر اسک قاله جالف ذلک فاجز
فی التوحید من اربعة من الشک والشک والتشکيد والعظیل یعنی هرگز اندک
آئی خود را تشکر با و حکم عیاط انتر یا حق پس فکوک در آن آید ذات با عی
انک خلاصه و تو حیدر صله اشیا ای ابره در آن فکوک شکر و تشکر و عظیم
و تشکر در و بعضو حین فکوک تصوف اشیا ای ابره در آن عیاط اول تو حیدر
از انشا بیت یعنی لائق اولیا در آن جمع اتمک ایچ صدق در طلب یعنی طلب
صادق اولی و ایچ و در شهادت یعنی شهادت کردن بر وجه کار ای در چی فنا
در تو حیدر یعنی هر جا که شهود حال ذات حق وجود و صفات خلقی معبود
فانی کوریه از نفس حق بیواتاد و محو است که طهارت تو حیدر و بی غلط تصوف
تو حیدر من صدق و در ف فنا ای اشارت بر دیدن بر الله تعالی **مسئله**
الصوفی فی الوقت دیکه معانی در **جواب** معلوم اولام زمان ایچ تصوف
ماضی و مستقبل و حال دیشک ما ضی چون عود حق و مستقبل چون حکم بوق
و حال ایچون توقف بوق و حال و وقت بر معنای در بمعاد خلیل من اتمک در
امس قرات و ایوم فی التوحید و علم بود و در عیاط در الماضی و المآل
و الحال یعنی پس تصوف اولام وقت زمانه ما بیند بر زخدر بر طریقی صافی و جانبی
مستقبل معبود در نفس بر الزوال اما کثیر التوحید جائز که کمال حق بود

و در اول این کتاب
ما با حاله کما

و در وقت
کلیه در آن کتاب
و در وقت
و در وقت
و در وقت

و وقت شفقت ده بر دولت و املا و کما متعین اول و در کما متعین اول و در کما متعین اول
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود **و وقت لا یسبح فی ملک غیرک الا بی**
مرسل صاحب وقت که تصوف اولام که عیاط نه خالی و حاله در ایچ و القای لا تدیر
مضمونی انا عیاط نه و زوار انتظار مستقبله اکاموتی هر چه را کار و اولی و بی غلط
صاحب وقت که تصوف متورر زنتک شاعر در **بیت** عیاط نه دردی دو عیاط نه
عینکوتان محسوس بر کسند و بی غلط او که صوفی با وقت اولی و لانا اولی و حیدر و کل
بکه ملازمت حیدر شاعر عیاط نه و اگر **شعر** انا ابن اللقا انا ابن النفا انا ابن النفا
انا ابن الطعان **مسئله** سب ندر که پیوسته ای کما بیغ لسا لکون **التقریر** بر اولی
مرتب و کما عیاط نه و میان این **عود** **بیت** **التقریر** عیاط نه قیام بر روی **جواب**
معلوم اولام که حقیقت فقر نیازد و شیخ آفرین بی نیاز اولام بلکه نیاز عیاط نه در
هر موجودی بر این بی نیاز زدند و کما عیاط نه در وجود و چون نیاز در بمعنای در و کلی
ما سوا الله فقر و مستند در اما درجات عیاط نه متفاوت و بعضو مای فضل از شیخ
طلب بر اولی مثلا استیعج و غلام عیاط نه و انفس لیس و اطمینان و تشریح و بعضو
معین ایچون استولر مثلا استولر و استولر و غرقه کما بی و لایه و ایچون
و صاحب معانی که و بعضو دفع اضطراب حال و سندن عیاط نه و سندن عیاط نه
بجالی چون استولر و او مقدم که و عیاط نه روز و شب که در آن و ادا عیاط نه
مهر و پریشانی و لوی کوز لوی و اولی هر که مهر و صبر عالم و ظهر الطاف صفا
مفتر بر ادم صلی الله تعالی علیه و آله و سلم اندک استهاده قلوب عیاط نه من القیام
و کما کاد الفقران کون کما عیاط نه فقر اول کما بالانفا هر اول فقر که

و در وقت
کلیه در آن کتاب
و در وقت
و در وقت